سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ . شماره ۲۱۲۲۴
۱۰ ذی‌القعده ۱۴۴۴ . ۳۰ می ۲۰۲۳
خراسان روزنامه صبح ایران

اختصاصی خراسان

خرمالوی قاتل: از طناب دار می ترسم

سید خلیل سجادپور- از همان دوران نوجوانی، بسیار شر بودم و با هر بهانه ای پرخاشگری می کردم و چاقو می کشیدم. دست خودم نبود، هر کسی ضربه ای به سرم می زد دیگر حال خودم را نمی فهمیدم به همین دلیل هم چند بار دست به خودکشی زدم و...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، جوان ۲۷ ساله معروف به «خرمالو» که شامگاه بیست و دوم اردیبهشت و در یک نزاع هولناک در گاراژ خودرویی، دو نفر را کشت و یکی دیگر را به شدت مجروح کرد، پس از آن که به سوالات تخصصی قاضی «محمود عارفی راد» (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) درباره ماجرای دو قتل وحشتناک پاسخ داد، پشت میله های بازداشتگاه قرار گرفت و او در حالی که به آینده تاریک خود می اندیشید و از سروان اسماعیل عظیمی مقدم (افسر پرونده) تقاضا می کرد برای دقایقی مادرش را ملاقات کند، به سوالات خبرنگار روزنامه خراسان نیز درباره گذشته خود چنین پاسخ داد:

اسمت چیست؟ جواد-ک

سواد هم داری؟ تا کلاس دوم راهنمایی درس خواندم

چرا ادامه تحصیل ندادی؟ به خاطر مشکلات مالی

با پدر و مادرت زندگی می کنی؟ پدرم سال ۱۴۰۰ به دلیل بیماری قلبی فوت کرد. من هم با مادرم زندگی می کنم! او در یک سوئیت آپارتمان کار می کند و در همان جا هم اقامت دارد. من هم برخی از شب ها را به همان سوئیت آپارتمان می رفتم.

چند خواهر و برادر داری؟ یک خواهر و یک برادر دارم و فرزند آخر خانواده هستم.

بعد از ترک تحصیل به چه شغلی مشغول شدی؟ از همان دوران نوجوانی شاگرد تعمیرکار خودرو شدم و در زمینه تعمیر جلوبندی خودرو فعالیت داشتم که تا قبل از وقوع این حادثه ادامه داشت.

مجرد هستی؟ بله!

چرا تا کنون ازدواج نکردی؟ به خاطر همین رفتارهای پرخاشگرانه و نزاع هایی که می کردم کسی به من اعتماد نداشت.

عاشق هم شدی؟ حدود ۱۵ سال قبل عاشق دختر خاله ام شدم ولی او را به من ندادند چرا که شوهر خاله ام تبعه عراقی بود و ادعا می کرد که آن ها بین خودشان وصلت می کنند ولی این بهانه بود فقط به خاطر این که «شر» بودم، با ازدواج ما مخالفت کردند.

چرا به «خرمالو» معروف شدی؟ پدربزرگم میوه فروش بود و در همین خیابان نخریسی (فداییان اسلام) خرمالو می فروخت و به «خرمالوفروش» معروف شده بود. بعد هم اطرافیان و اهالی این نام را روی من گذاشتند.

اولین بار به چه دلیل چاقوکشی کردی؟ ۱۵ سالم بود که به خاطر یک دختر با دو جوان درگیر شدم و آن ها را با چاقو زدم. آن دختر همان دختر خاله خودم بود که دیدم دو جوان موتورسوار قصد ایجاد مزاحمت برایش دارند! من هم آن ها را با چاقو زدم ولی بعد مادرم رضایت گرفت.

گفتی جمجمه ات هم شکسته است! چرا؟ مدتی قبل با موتورسیکلت دوستم که امانت گرفته بودم، تصادف کردم و حدود ۲ ماه در کما بودم و جمجمه ام در آن تصادف شکست.

آثار چاقو خوردگی زیادی روی پیکرت وجود دارد؟ بله! یک بار مرا با چاقو زدند که صورتم ۶۵ بخیه خورد و آن زمان ۱۵ سال بیشتر نداشتم به همین دلیل هم آرواره هایم دیده می شود!

این همه نزاع برای چه بود؟ نمی دانم! سرم ضربه خورده بود، هر کس به سرم می زد، جمجمه ام درد می گرفت و من دیگر حال خودم را نمی فهمیدم.

پرونده های چاقوکشی زیادی در دستگاه قضایی داری؟ تا به حال زندان نرفتم ولی همواره فراری بودم و با شکایت دیگران تحت تعقیب پلیس قرار می گرفتم با آن که از خیلی از مصدومان رضایت گرفته بودم ولی...

انگیزه آخرین نزاع مرگبار چه بود؟ یکی از همان افرادی که شب هنگام سوار بر پژو پارس به گاراژ محل کارم آمدند، با فرد دیگری دعوا کرده بود، آن فرد هم بچه محل و از دوستان من بود به همین دلیل هم به «مرتضی» از طریق اینستاگرام پیام دادم که بیایید شما را آشتی بدهم اما او نه تنها به من فحش داد و توهین کرد بلکه مدعی بود که مرا هم می زند! به همین دلیل آن ها به گاراژ تعمیر خودرو آمدند و به طرف من هجوم آوردند. من هم هیچ راه گریزی نداشتم چون آن ها چند نفر بودند و به صورتم اسپری فلفل پاشیدند. من هم با چشمانی بسته، چاقو کشیدم و بی هدف به طرف آن ها حمله ور شدم که در نهایت فهمیدم دو نفر از آنان به قتل رسیده اند و یک نفر دیگر هم در بیمارستان بستری شده است.

چرا مدام دعوا می کردی؟ دست خودم نبود! دیگران تحریکم می کردند به گونه ای که حتی سرم را به دیوار می کوبیدم و چندبار هم دست به خودکشی زدم، درواقع از همان دوران نوجوانی «شر» بودم ولی کسی به من توجه نمی کرد. یعنی بزرگ تری نداشتم که مرا راهنمایی کند و راه و چاه را نشانم بدهد تا این که عاقبتم این گونه شد.

برای افرادی مانند خود چه پیامی داری؟ از سرنوشت من عبرت بگیرند. هیچ وقت به خاطر دیگران یا خودنمایی دعوا نکنند و از همه مهم تر هیچ گاه چاقو به دست نگیرند! این دعواها فایده ای ندارد و عاقبت در چاهی می افتید که اصلا در تصورتان هم نمی گنجد. کتک بخورید خیلی بهتر است تا قدرت نمایی کنید، این آخرین حرف من است!

ریشه این گونه جرایم را در چه می دانی؟ خانواده! اگر بزرگ تری داشتم که هدایتم می کرد یا توی سرم می زد که راه را اشتباه می روی، امروز پشت میله های بازداشتگاه نبودم! اگر پدرم زنده بود یا مادرم می توانست فقط به تربیت من فکر کند و به دنبال امرار معاش خودش نبود باز هم شاید سرنوشت من به گونه دیگری رقم می خورد. با آن که ۱۲ سال است جلوبندی ساز ماهری هستم اما مسیر زندگی را به بیراهه رفتم چون خانواده آشفته ای داشتم!

البته اگر اولین باری که چاقوکشی کردم دستگیر می شدم و این روزها را می دیدم شاید دوباره به این گونه جرایم ادامه نمی دادم.

تو که باز هم فرار کرده بودی چه شد که تسلیم قانون شدی؟ چون دوستانم تماس گرفتند و گفتند که بعضی از دوستانت دستگیر شده اند، من هم که دیدم آن ها بی گناه هستند، خودم را تسلیم کردم. آن زمان در جنگل های کوی سیدی پنهان شده بودم که از جنگل بیرون آمدم و به کلانتری رفتم.

معتادی؟ نه! فقط گاهی مشروبات الکلی مصرف می کنم البته دایم الخمر نیستم!

چرا مشروب می نوشی؟ چون دعوا می کردم! کسانی که مشروب می خورند معمولا دعوا می کنند ولی آدم های معتاد سرشان را پایین می گیرند و به مردم کاری ندارند! با وجود این کاش معتادی شیشه ای و کریستالی بودم اما دعوا نمی کردم...

خدمت سربازی رفته ای؟ نه! سرباز فراری هستم! سال ۹۶ به اصفهان اعزام شدم ولی نتوانستم خدمت کنم و فرار کردم.

چرا همواره با خودت چاقو داشتی؟ همیشه با خودم چاقو حمل نمی کردم فقط هنگامی که قصد داشتم به جای دیگری بروم با خودم چاقو برمی داشتم. گاهی هم قیچی کوچکی با خودم می بردم.

پشیمانی؟ خیلی! نمی توانم شدت این پشیمانی را الان توصیف کنم! خیلی اشتباه کردم.

چه آرزویی داری؟ از نام «طناب دار» خیلی می ترسم! از قصاص وحشت دارم اما اکنون فقط آرزو دارم که برای دقایقی مادرم را ببینم! می دانم او الان چه می کشد! ای کاش... و صدای گریه «خرمالو» در بازداشتگاه پیچید!

در امتداد تاریکی

عیب جویی یا فریب در ازدواج!

در حالی که هنوز ۲ ماه از برگزاری مراسم عقدکنان نمی گذرد، نامزدم به بهانه فریب در ازدواج، من و خانواده ام را تهدید به شکایت می کند تا از حق و حقوقم بگذرم و به طور توافقی طلاق بگیریم ولی ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات دختر ۲۷ ساله ای است که اشک ریزان از یک ماجرای تلخ سخن می گفت. او که مدعی بود سرنوشت و آینده تاریکش به «عیب جویی تازه داماد» گره خورده است، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: بزرگ ترین فرزند یک خانواده فرهنگی هستم که در مشهد متولد شدم و تا مقطع دبیرستان تحصیل کردم اما بعد وارد کلاس های مختلف هنری و حرفه آموزی شدم و مهارت های خانه داری را به خوبی آموختم به گونه ای که هم اکنون در بسیاری از کلاس های آموزشی به عنوان مربی فعالیت می کنم. از سوی دیگر با آن که در یک خانواده کاملا مذهبی رشد کردم ولی پدر و مادرم هیچ گاه افکار و عقاید خودشان را به من تحمیل نکردند و معتقد بودند که انسان باید خودش مسیر درست زندگی را بیابد و با اعتقاد کامل امور دینی و مذهبی را انجام دهد. خلاصه در رفاه و آرامش روزگارم سپری می شد تا این که اسفند گذشته، «رحمت» به خواستگاری ام آمد. او را یکی از دوستانم معرفی کرد و به همین دلیل جلسات خواستگاری خیلی زود با حضور خانواده «رحمت» در منزل ما آغاز شد. او شغل آزاد داشت و برخلاف من کوچک ترین عضو خانواده اش بود. دو خواهر و یک برادر «رحمت» ازدواج کرده بودند و در جلسات خواستگاری حضور نداشتند.

چند بار من و رحمت در کنار خانواده ها با یکدیگر صحبت کردیم و از اخلاق و رفتار و خواسته ها و آرزوهایمان سخن گفتیم. خلاصه همه چیز به خوبی پیش می رفت و به نظر می رسید از هر لحاظ با یکدیگر تفاهم داریم. به همین دلیل در آغازین روزهای «بهار» امسال پای سفره عقد نشستیم و مراسم ساده عقدکنان برگزار شد. از آن روز به بعد «رحمت» چند بار به منزل ما آمد یا مرا به مکان های تفریحی می برد اما مشکل اساسی در این بود که «نامزدم» برای انجام هر کاری فقط با زن برادرش مشورت می کرد و همه حرف ها و خواسته های او را بی چون و چرا می پذیرفت. حتی اگر قرار بود با یکدیگر بیرون از منزل یا حتی پارک برویم باید حتما از زن برادرش اجازه می گرفت. اگرچه «میترا» هم به تازگی عروس خانواده آن ها شده بود ولی نامزدم همه کارها و رفتارهای مرا ابتدا به «میترا» گزارش می داد به طوری که او لباس مراسم عقدکنان یا لوازم مورد نیاز دیگر برای این مراسم سنتی را انتخاب کرد و نامزدم نیز براساس نظر او به هر خواسته ای مهر تایید می زد. در همین شرایط «رحمت» که به منزل ما رفت و آمد داشت، روزی مقابلم ایستاد و با خونسردی خاصی گفت: تو و خانواده ات مرا در ازدواج فریب داده اید چرا که پای چپ تو کوتاه تر از پای دیگر است و کج راه می روی! «رحمت» در حالی که این جملات را در مقابل چشمان حیرت زده من بر زبان می راند، با حالت قهر منزلمان را ترک کرد. او چند روز بعد با این ادعا که از من شکایت کرده است، به در منزلمان آمد و تهدید کرد که اگر مهریه ام را نبخشم و به صورت توافقی طلاق نگیرم، من و خانواده ام را به جرم فریب در ازدواج به دادگاه می کشاند! «رحمت» این تهدید و ادعاها را در حالی بیان می کرد که راه رفتن مرا در تمام مراحل خواستگاری و حتی هنگام انجام آزمایش های ازدواج و غیره دیده بود. از سوی دیگر نیز به همراه خانواده اش برای تهیه مقدمات مراسم عقدکنان و خریدهای ضروری به بازار رفته بودیم. اگرچه پای چپ من به صورت مادرزادی یک سانتی متر کوتاه تر از پای دیگر است اما هیچ گاه لنگ نمی زنم و کج راه نمی روم! از طرف دیگر نیز این عیب مادرزادی قابل پنهان کردن نبود که من از همه فامیل و اطرافیان او مخفی کرده باشم!...

با این ادعاها، دوباره زن برادر رحمت به همراه خواهر او به منزلمان آمدند و مدعی شدند که «رحمت» هیچ وقت مرا برای ازدواج قبول نداشته چرا که او دختر دیگری را دوست دارد و تنها به اصرار ما به خواستگاری تو آمد! بنابراین بهتر است قبل از آن که اتفاق ناخواسته ای رخ دهد و رسوایی به بار بیاید بدون سروصدا از یکدیگر جدا شوید! و... اما خانواده ام که سرنوشت و آینده مرا با این «عیب جویی های» ناجوانمردانه در هاله ای از ابهام می دیدند، اصرار آن ها برای طلاق توافقی را نپذیرفتند و «رحمت» از من به اتهام فریب در ازدواج شکایت کرد. روز بعد وقتی به همراه خانواده اش به پزشکی قانونی رفتیم، معاینات و نتیجه گزارش پزشک قانونی این بود که پای من نقص ندارد! ولی باز هم آن ها مرا به تبانی با پزشکان متهم کردند و دوباره تهدیدها شروع شد. با همه این مخمصه های پوشالی که سرنوشت مرا هدف گرفته بودند، «رحمت» به بهانه گفت و گو برای حل این مشکل مرا به داخل خودرو کشاند که ناگهان زن برادر و خواهرش به من حمله ور شدند و آن قدر کتکم زدند که به «فریب در ازدواج» اقرار کنم! آن ها سپس تهدیدم کردند که بدون سروصدا طلاق بگیرم یا خانواده ام دیگر رنگ آرامش و امنیت را نخواهند دید.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با توجه به اهمیت و حساسیت این ماجرا، پرونده مذکور با دستور ویژه سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) برای انجام اقدامات کارشناسی و مشاوره ای در اختیار مددکاران دایره اجتماعی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

پایان نزاع خونبار خانوادگی با قتل

کرمانی- مردی که در پی بروز اختلافات خانوادگی با سلاح شکاری مرتکب قتل شده بود، در کمتر از دو ساعت در یکی از روستاهای جیرفت به چنگ پلیس افتاد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی در این باره بیان کرد: به دنبال اعلام مرکز فوریت های پلیسی مبنی بر وقوع یک فقره نزاع خانوادگی منجر به قتل در یکی از روستاهای شهرستان جیرفت، نیروهای انتظامی به سرعت راهی محل جنایت شدند. سرهنگ عزتا... عبدلی نسب با اشاره به فرار قاتل از صحنه جرم قبل از حضور ماموران، ادامه داد: با انجام اقدامات اطلاعاتی کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان و با هماهنگی قضایی، مخفیگاه قاتل در یکی از روستاهای اطراف شناسایی و این متهم در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و از او یک قبضه سلاح شکاری کشف شد. این مسئول انتظامی با اشاره به سرعت عمل ماموران در دستگیری این فرد در کمتر از دو ساعت، خاطرنشان کرد: متهم پس از تشکیل پرونده، تحویل مرجع قضایی شد.

مجتمع مسکونی در میان شعله های سوخت قاچاق

توکلی- بر اثر وقوع حریق دو دستگاه خودروی پژوی حامل سوخت قاچاق گازوئیل در پارکینگ یک مجتمع مسکونی، چهار طبقه در آتش سوخت. به گزارش خراسان، مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمان بیان کرد: بر اثر وقوع حریق دو دستگاه خودروی پژوی حامل سوخت قاچاق گازوئیل در پارکینگ یک مجتمع مسکونی چهار طبقه، دربولوار رسالت، متاسفانه به علت حجم بالای سوخت و حرارت بسیار زیاد ناشی از آن، سازه ساختمان دچار خساراتی از جمله تغییر شکل ستون فلزی و شکست بتن شده و ایمنی قابل قبولی ندارد.

ابراهیم بابایی ادامه داد: در این حادثه به تمام واحدها اعم از واحدهایی که در آن ها ساکنان حضور داشته یا نداشته اند، بر اثر حرارت و دود، خساراتی وارد شد. وی گفت: در این حریق، شش دستگاه خودروی اطفایی سنگین و نیمه سنگین و دو دستگاه خودروی نجات سبک به انجام عملیات اقدام کردند. وی تاخیر در اعلام و گزارش حادثه به آتش نشانی را مشهود دانست. بابایی خاطرنشان کرد: در این عملیات سه نفر از آتش نشانان مجروح جزئی شدند و صاحبان خودروهای حامل سوخت قاچاق، در لحظات اولیه و پس از حضور تیم عملیاتی حریق، از محل حادثه گریختند.

دستگیری عامل تخریب ۱۰ خودرو در خیابان پاسداران

رئیس مرکز عملیات سازمان اطلاعات پلیس تهران بزرگ از دستگیری عامل ایجاد رعب و وحشت و وارد کردن خسارت به ۱۰ دستگاه خودروی سواری در خیابان پاسداران خبر داد. به گزارش عرشه آنلاین، سرهنگ سعید راستی در تشریح جزئیات این خبر گفت: چند روز قبل و پس از اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تخریب و وارد آمدن خسارت به ۱۰ دستگاه خودرو توسط یکی از اراذل و اوباش به‌وسیله سنگ، چوب و شمشیر در خیابان پاسداران تهران، رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار اداره عملیات پایگاه چهارم این پلیس قرار گرفت و تیم هایی از ماموران تحقیقات همه جانبه خود را برای شناسایی و دستگیری عاملان تخریب خودروها و افرادی که باعث ایجاد رعب و وحشت شهروندان شده بودند، آغاز کردند. وی با بیان این که ماموران پلیس با انجام کارهای اطلاعاتی و تحقیقات گسترده خود موفق به شناسایی شروری شدند که اقدام به تخریب خودروی شهروندان کرده بود، افزود: در ادامه و پس از هماهنگی با مقام قضایی ماموران در جریان یک عملیات مقتدرانه پلیسی این فرد را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. رئیس مرکز عملیات سازمان اطلاعات پلیس تهران بزرگ با بیان این که ماموران آلات و ادوات جرم را نیز از این فرد شرور کشف کردند، گفت: همچنین در این عملیات پلیسی، ماموران یک دستگاه موتورسیکلت آپاچی را که متهم با استفاده از آن مرتکب جرم و متواری شده بود، توقیف کردند. راستی با اشاره به انجام بازجویی از متهم دستگیر شده، گفت: این فرد که جزو اوباش و اشرار است، در جریان بازجویی های انجام شده به بزه انتسابی اعتراف کرد و پس از آن به همراه پرونده برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شد.

مناقصه

آگهی تمدید مناقصه عمومی یک مرحله ای
با ارزیابی کیفی پیمانکاران شماره: ۱۴۰۲/۳۳۱۵-م/۱۷۰

شرکت ایران خودرو خراسان در نظر دارد حمل و نقل جاده ای و عملیات تخلیه و بارگیری کانتینرهای خودرو هایما در سایت خود را به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
سپرده شرکت در مناقصه ۱۴۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.
متقاضیان می توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۱ به شرح ذیل اقدام نمایند:
۱ - نحوه دریافت اسناد مناقصه: بصورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی www.ikkco.ir و یا تماس با شماره های تلفن (۳۳۵۶۳۰۵۰ - ۰۵۱) و (۹-۳۳۵۶۳۵۰۱-۰۵۱ داخلی (۴۰۲۱))
۲ - محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: شرکت ایران خودرو خراسان، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد-نیشابور دبیرخانه کمیسیون معاملات در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵
لازم به توضیح است تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ ساعت ۸ صبح می باشد (شرکت ایران خودرو خراسان در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است)
(هزینه درج یک نوبت آگهی روزنامه بر عهده برنده مناقصه است)

ارتباطات و امور بین الملل
۱۴۰۲۰۷۹۹۵/ش

اصلاحیه آگهی

پیرو فراخوان عمومی در مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۸، به اطلاع عموم می رساند فراخوان شماره ۱۴۰۲۰۹۰۳۳۴۰۰۰۰۳۴ در خصوص تهیه و اجرای دستی آسفالت در سطح شهرداری منطقه ۳ لغو می گردد.

شهرداری منطقه ۳
۱۴۰۲۰۸۰۱۰/ش

مزایده فروش ضایعات

شرکت تعاونی مسکن مرکز آموزش ۰۴ بیرجند در نظر دارد نسبت به فروش مقدار حدود ۷۰ تن انواع ضایعات آهن آلات از قبیل میلگرد، ورق کانال کولر و ورق عرشه از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید؛ لذا متقاضیان محترم می توانند حداکثر تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ با مراجعه به نشانی بیرجند خیابان معلم، خیابان شهید خلیل طهماسبی، مجتمع کوهسنگی ارتش، شرکت تعاونی مرکز آموزش ۰۴ بیرجند و یا با ارسال پیام به واتساپ شماره ۰۹۱۵۱۶۰۰۰۳۷ اسناد مناقصه را دریافت نمایند و حداکثر تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۸ اسناد مزایده را به آدرس مذکور تحویل نمایند. ضمنا بازگشایی اسناد ساعت ۱۴ همان روز خواهد بود.

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن ۰۴ بیرجند
۱۴۰۲۰۷۹۵۱/ج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱_برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۳۳۸۰۰۰۶۳۲ تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ هئیت اول / دوم تصرفات مالکانه متقاضی آقای صفرعلی رشید آبادی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۵۵۲ صادره از نیشابور در یک قطعه باغ به مساحت ۱۳۰۶۵/۴۸ مترمربع پلاک ۷۹ اصلی واقع در بخش ۹ فیروزه خریداری از مالکیت مشاعی به خود متقاضی ۲_برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۳۳۸۰۰۰۶۲۹ تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ هیئت اول/ دوم موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صفرعلی رشید آبادی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۵۵۲ صادره از نیشابور در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۹۳۶/۰۷ مترمربع پلاک ۷۹ اصلی واقع در بخش ۹ فیروزه خریداری از مالکیت مشاعی خود متقاضی ۳_برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۳۳۸۰۰۰۶۲۶ تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ هیئت اول /دوم موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین سلیمانی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۷۸۸ صادره از نیشابور در یک قطعه باغ به مساحت ۳۰۳۵۰/۰۲ مترمربع پلاک ۱۲اصلی واقع در بخش ۱۱ فیروزه خریداری از مالک رسمی آقای میرزا بابا احمدی سلیمانی ۴_برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۳۳۸۰۰۰۶۲۳ تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ هئت اول/ دوم موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامرضا سلیمانی فرزند علی محمد به شماره شناسنامه ۶۴۳ صادره از نیشابور در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۰۵۶/۳۰ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در بخش ۱۱ فیروزه خریداری از مالک رسمی آقای میرزا بابا احمدی سلیمانی ۵_ برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۳۳۸۰۰۰۵۲۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ هئیت اول/دوم موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی غلامرضا سلیمانی فرزند علی محمد به شماره ۶۴۳صادره از نیشابور در یک قطعه باغ به مساحت ۴۰۷۷۹/۲۷ متر پلاک ۲ اصلی واقع در بخش ۱۱ فیروزه خریداری از مالک رسمی آقای میرزا بابا احمدی سلیمانی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به این مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. انتشار اول: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹ انتشار دوم: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

اسماعیل رحمتی -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فیروزه
۱۴۰۲۰۷۹۷۸/ش